ماجرای محاکمه پیر لاوال نخست وزیر پیشین فرانسه

مشیر، سید مرتضی

بارادوک وکیل لاوال اظهار نظر میکند که در بین قضات محکمه عالی انقلابی تنها آقای پیکار بود که مقصود ما را درک مینمود و توجه داشت که امکان ندارد وکلاء لاوال‏ رلی را بازی کنند که به آنها تلقین می‏شود. در مورد تعصب خارج از حد و رویه آقای‏ مرنه MORNET نیز نقل می‏نماید که‏ وی اظهار داشته منشاء اطلاعاتش اخباری بوده است که از سال 1940 ببعد از رادیو لندن استماع‏ می‏نموده و همه روزه یادداشت می‏کرده و در کیفر خواست منعکس کرده است!پیر لاوال به‏ عنوان شهود سی و سه نفر از رجال برجسته سیاسی و نظامی را بدادگاه معرفی نموده که مهمترین‏ آنها افراد زیر بوده‏اند:

1-ادوارد هریو EDOUARD HERRIOT رئیس مجلس شورای ملی‏ و نخست‏وزیر اسبق فرانسه متولد 1882 متوفی بسال 1957.

2-پل بن کور PAUL BONCOUR

3-آلبرت سر ALBERT SARRAUT

یکی از وزرای مشهور فرانسه که 17 بار بمقام وزرات رسیده.

4-پل‏ رینو PAUL REYNAUD

نخست‏وزیر زمان جنگ فرانسه و آلمان متولد 1878-متوفی بسال 1966

5-لئون بلوم LEON BLUM

نویسنده معروف و نخست‏وزیر اسبق فرانسه متولد سال 1872-متوفی 1950

6-ژنرال بریدو GENERAL BRIDOUX

7-ژنرال دنن GENERAL DENAIN

8-ژنرال دبنی GENERAL DEBENEY

ولی متأسفانه هیچیک از آنها که لاوال نسبت ببرخی از آنان حق حیات داشته در جلسه حاضر نشده بودند و بدین ترتیب کلیه شهود کسانی بوده‏اند که با لاوال نظر خوشی‏ نداشته و علیه وی گواهی داده‏اند.

بالاخره در روز 9 اکتبر 1945(آخرین روز دادرسی)لئون نوئل سفیر کبیر سابق فرانسه در جلسه دادرسی حضور بهم می‏رساند و پس از تشریح اوضاع و احوالیکه وی‏ با لاوال مخالف داشته اظهار می‏نماید.

«وقتی که من تصمیم گرفتم علیه لاوال شهادت بدهم امیدوار بودم که با او رودررو در محکمه بگفتگو بنشینم اما امروز او در دادگاه حاضر نیست و وکلاء مدافعش نیز غائب‏ هستند لذا در این شرائط غیر عادی اگر کسانی حاضر به انجام چنین امری شوند او هرگز از این موقعیت سوء استفاده نخواهد کرد»

«لئون نوئل ادامه می‏دهد که او با پیر لاوال سابقه همکاری داشته و فراموش نمی‏کند که قسمتی از ترقیاتش مرهون محبت نخست‏وزیر سابق فرانسه بوده است و توضیحا یادآور می‏گردد که یکی از نزدیکانش در سال 1942 جزء قوای مقاومت بوده و پس از دستگیری‏ بر اثر مداخله لاوال از خطر مرگ نجات یافته است»(شخص موردنظر فرزند لئون نوئل‏ بوده.مترجم)

سپس سفیر کبیر سابق اظهار می‏نماید که عادت ندارد«شانه خود را از زیر بار مسئولیت‏ خالی نماید»تمام اظهارات کتبی و بیانات گذشته را در مورد لاوال تأیید می‏کند و اگر محکمه‏ لازم بداند می‏تواند از آنها اطلاع یابد بدون اینکه در حال حاضر کلمه‏ای بدان اضافه نماید، چه اخلاقا برایش غیر مقدور است که مجددا درغیاب متهم موضوف مطالبی را عنوان نماید»

آخرین نفری که ادای شهادت نموده رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل خانه هاشت بوده است.

در پایان رئیس محکمه رشته سخن را بدادستان می‏سپارد تا هرچه در دل دارد و آرزو می‏نماید بیان کند وی بعد از ذکرمقدمه‏ای که خود را با جرأت معرفی می‏کند افسوس میخورد که چرا در اوت 1944 لاوال به محاکمه نظامی جلب نگردیده تا سریعا محاکمه و به مرگ‏ محکوم گردد.

سپس آقای مرنه بیانات خود را با این جمله که«ملت فرانسه مدت 5 سال است‏ انتظار اجرای عدالت را دارد!»خاتمه می‏دهد.

متعاقب بیانات دادستان از طرف رئیس محکمه عالی انقلابی ختم دادرسی اعلام و بعد از یک مشاوره کوتاه با توجه بکیفر خواست دادستان،حکم اعدام و مصادره اموال و محرومیت‏ از تابعیت فرانسه درباره پیر لاوال صادر می‏گردد.

یکی از روزنامه‏های لندن درباره محاکمه لاوال و ملت فرانسه چنین قضاوت‏ نموده:

(فرانسویان تا شش هفته قبل از پیر لاوال بصورت منفورترین فرد یاد می‏کردند ولی امروز از وی بعنوان شخصیتی محبوب و قابل تحسین نام می‏برند و در اینمدت دستگاه‏ عدالت فرانسه سوژه تمسخر و ریشخند قرار گرفته و در نزد خودی و بیگانه‏ بطریقه موهن و اهانت‏آمیزی معرفی می‏شود)

پس از صدور حکم اعدام و ابلاغ به لاوال بنا بنوشته گاستن ژاکمن وی اعلام‏ داشته:«متأسفم که بمن اجازه داده نشد تا صفحاتی از تاریخ ملت فرانسه را تحریر نمایم» «معذالک مطمئنم که روزی ملکتم با سرافرازی بپا خواهد خاست و حقایق را کشف‏ خواهد» «نمود و بهر حال در این مرحله شخصا قصدی ندارم که از حکم صادره درخواست عفو نمایم»

بارادوک نقل می‏نماید که لاوال بعد از صدور حکم اعدام برای تقومیت روحیه همسر و دختر خود چند کلمه‏ای به این عبارت که Je conserVe un moral eXeellent «من روحیه عالی خود را حفظ می‏نمایم»تحریر و بوی می‏دهد که به آنان تسلیم‏ نماید و متقابلا همسر و دختر و شجاع لاوال پاسخ می‏دهد که:

«ما بیس از هر وقت بوجود تو مفتخر و مباهی هستیم»

Nous sommes Plus fiers de toi gue jamais

لاوال تصور می‏نمود که محاکمه‏ای با این افتضاح برای جهانیان و دولت و ملت‏ فرانسه قابل تحمل نخواهد بود و حکومت چاره‏ای ندارد جز اینکه با نقض حکم‏ ظالمانه اجازه‏ دهد تا در شرائط آزاد بازپرسی شرافتمندانه‏ای انجام و جریان دادرسی در دادگاه بی‏نظر و بی‏طرفی از نو آغاز شود،بهمین تصور بارادوک و نووکلای لاوال در تاریخ 10 اکتبر 1945 با ادای احترام نامه‏ای به ژنرال دو گل بمضمون زیر می‏نویسند:

ما وکلای تسخیری پیر لاوال برای دفاع از موکلمان که بموجب رأی صادره از محکمه عالی انقلابی بمرگ محکوم شده لازم می‏دانیم به استحضار خاطر عالی‏ برسانیم که‏ تجدید دادرسی کمال ضرورت را دارد زیرا شرائطی که در امر دادرسی و صدور حکم‏ مداخله داشته موافقت با چنین درخواستی را اقتضا دارد و در این مرحله منحصرا شخص‏ شما صاحب اختیار هستید که می‏توانید با بررسی لازم و صدور دستور مشکل را حل‏ نمائید.

بارادوک بعد از تسلیم نامه مذکور به دفتر دوگل برای مذاکره و یافتن راه حل‏ از نویسنده نامدار و نخست‏وزیر اسبق فرانسه تلفنی درخواست ملاقات لئون بلوم‏ را می‏نماید و وی بدون هیچ ایراد و اشکالی وعده دیدار را به روز بعد موکول می‏سازد.